

توسعه و قومیتها (عشایر) در ایران ارسالان برخورداری

مقدمه:

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی تغییرات شگرفی در ابعاد و زندگی شهری و روستایی ایجاد شده است بطوریکه، دگرگونیهای اجتماعی و اقتصادی حاصل، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خود را بر جامعه عشایری برجای گذاشته است. به موازات تغییر و تحولات اتفاق افتاده در کشور، عشایر کوچنده نیز بی‌نصیب نمانده اما رشد و توسعه آن متناسب با جامعه شهری و روستایی نبوده است. تحولاتی که در بستر مناسب و همسو با سایر بخشها(صنعت، کشاورزی، خدمات و گردشگری و ...) حادث شده است، به دلیل سنتی بودن شیوه زندگی عشایر، معیشت خانوارها چندان متأثر نشده و شکوفایی اقتصادی و رفاه اجتماعی نیز به دلیل عدم مناسب امکانات و امتیازات اختصاص یافته، در جامعه عشایری مشاهده نمی‌شود.

از سوی دیگر گسترش شهرها و روستاها، توسعه سطح زیرکشت کشاورزی، احداث کارخانجات و صنایع و مراکز نظامی، توسعه شبکه‌های ارتباطی و جاده‌های مواصلاتی، احداث و گسترش خط لوله نفت و گاز ضمن اینکه هرکدام بخشی از مراتع عشایر را در اطرافگاهها و میانبندها از تصرف آنان خارج کرده، در بسیاری نقاط راههای عبور و مرور آنها را نیز مسدود ساخته است. همچنین پدیده‌های طبیعی مانند خشکسالی‌های پی‌درپی سالهای اخیر، آب چشمه‌سارها، رودخانه، چاهها و قنوات را در اغلب مناطق کاهش داده و یا به کلی آنها را خشکانده است. همچنین علوفه‌های مراتع که یکی از ضرورت‌های دامداری می‌باشد، از این رهگذر دستخوش تخریب و آسیب گردیده است.

فرضیه: فشارهای محیطی جامعه عشایری ایران قابل کنترل است.

در جهت مصاف و مقابله با این تهدیدها و پدیده‌های زیانبار برای جامعه عشایر کشورنگرش‌ها و دیدگاههای متفاوتی وجود دارد. برخی از صاحب نظران با نوعی موضع‌گیری انفعالی براین عقیده هستند که چنین مشکلات و کمبودها جزء خصیصه‌های ذاتی زندگی عشیره‌ای است و عشایر جزء تسلیم و سازش و قبول اسکان چاره دیگری ندارند، بنابراین آنها باید بتدریج زندگی کوچ‌نشینی را رها کرده و به اسکان روی آورند. بدیهی است چنین دیدگاهی تصریح می‌کند که برای حل مسئله باید صورت مسئله را پاک کرد. برخی دیگر از کسانی که با جامعه عشایر الفتی دارند. معتقدند که به ترکیب زندگی عشایر و روند طبیعی شیوه زندگی نباید کوچکترین خدشه و تغییری وارد ساخت. این گروه تأکید دارند که مردم ایلات و عشایر به مقتضای

زمان و به فراخور حال خود از دو شیوه کوچروی و اسکان بالاخره یکی از انتخاب خواهند کرد. جمعی نیز باکند و کار و تفحص عمیق پیرامون عوامل مشکل آفرین در مسیر زندگی عشیره‌ای سعی نموده‌اند تا با تجزیه و تحلیل پدیده‌ها ضمن عنایت به شرایط پیش آمده جهت حفظ و تقویت قدرت جامعه عشایری تا سرحد مشکلات آنان چاره اندیشی نمایند.

در این خصوص برآنیم تا با تجزیه و تحلیل فشارهای محیطی بر جامعه عشایری ایران و بیان تنگناها، ذهن مسئولان، برنامه ریزان، محققین و مجریان را به سمت آنچه که برای عشایر کشور در حال وقوع است یا احتمال آن در آینده می‌رود، بیش از پیش به این مهم سوق دهیم.

در پایان راه‌حل‌های پیشنهادی در جهت کاهش فشارهای محیطی بر این جامعه را ارائه خواهیم نمود.

سابقه پژوهش:

در ارتباط با جامعه عشایری ایران مطالعات و تحقیقات متعددی توسط اندیشمندان این جامعه و نیز تعدادی از محققین خارجی صورت پذیرفته ولی در خصوص این موضوع خاص تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

در این مقاله موضوعات ذیل مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت و راه‌حل‌های لازم ارائه خواهند شد.

۱-تاریخچه و روند شکل‌گیری نظام اجتماعی در عشایر.

۲-کوچ نشینی و عوامل مؤثر بر آن.

۳-فشارهای محیطی بر جامعه عشایری ایران.

۴-ضرورتها و راه‌حلهای کاهش فشارهای محیطی.

۵-پیش درآمد برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر کشور.

۶-نحوه برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر کشور.

۷-برنامه ریزی عملیاتی برای عشایر کشور.

۱- تاریخچه و روند شکل‌گیری نظام اجتماعی در عشایر

۱-۱- تاریخچه شکل‌گیری ایلات

در خصوص شکل‌گیری ایلات و عشایر اقوال و نظریه‌های متفاوتی وجود دارد؛ اما آنچه مسلم است این است که قبائل مهاجر از کهن‌ترین جامعه بشری به شمار می‌رود که زندگی خود را برمبنای بهره‌وری از مواهب طبیعی استوار ساخته است. به همین دلیل قبل از پیدایش جامعه یکجانشین، در مناطق معتدل آب و هوایی و مکان‌هایی که دارای مراتعی غنی و زیست بومهای مناسب بوده، جامعه چادرنشین و صحراگرد به تناسب تغییرات دما و شرایط جوی در حرکت بوده است. این حرکت مدام شمسی-قمری گاه برخوردها و منازعاتی را در پی داشته که اغلب منجر به گسترش قلمرو قبائل مهاجر می‌گردیده است.

بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که پنجه‌هاز سال پیش گروهی از اقوام چادرنشین به کشور سومر واقع در جنوب بین‌النهرین حمله کردند و آنجا را به تصرف خود درآوردند. آنان پس از تصرف سومر به کار کشاورزی پرداختند و شهر بابل را نیز بنا نهادند.

در حدود چهار هزار سال پیش گروهی از آریائیها که اقوام کوچ نشین بودند به فلات ایران مهاجرت کردند و نام ایران را برای قلمرو خود انتخاب کردند. براساس آنچه که در کتاب مذهبی زرتشت آمده، پس از آنکه محل سکونت آریین‌ها «آریایی‌ها» رو به سردی گرایید آنها به سمت جنوب حرکت کردند.

گروهی از آریائیها که بعداً ایرانی نامیده شدند، پارسی‌ها بودند. سرزمنی را که این گروه در آن ساکن شدند پارس (فارس) نامیدند. «عمده طوایف آریین (آریا) ده شعبه بوده که هر یک در قسمتی ساکن و مهم‌ترین طوایف آنها دو طایفه بوده که اهمیت مخصوص داشته‌اند: اول - مدیاماد که در آذربایجان فعلی تا حدود عراق عجم را تحت تسلط داشته‌اند. دوم - طایفه پارسی یا پارسا که بعداً بواسطه اهمیت و اقتدار خود دولت ماد را تحت الشعاع گرفته و بر تمام ایران مسلط آمده و نام خود را به تمام نواحی مختلفه این سرزمین تحمیل کردند.»

۱-۲- عوامل مؤثر در شکل‌گیری ایلات

با توجه به سابقه طولانی زندگی کوچ نشینی، ایل و ایلات بنا به ضرورت به عنوان تشکل اجتماعی عشایر به مرور زمان شکل گرفته است که با توجه به مشخصه‌های موجود در هر ایل می‌توان چند عامل عمده را در شکل‌گیری ایلات عنوان کرد:

۱- نیازهای امنیتی و اجتماعی

از گذشته دور بخش عمده‌ای از جمعیت کشورها به صورت بیابانگردی و کوچ نشینی زندگی می‌کرده‌اند. از این رو وابستگی آنها به یکدیگر در برابر حوادث، تهاجمات و دفاع از زندگی یک ضرورت حیاتی برای یکایک به شمار می‌رفته است.

«ایل در مرحله خاصی از زمان به منظور ایجاد نیروی ضربتی یا تدافعی به وجود آمده و افراد آن ایل زندگی مشترک را نسل به نسل ادامه داده‌اند. دکتر سید رحیم مشیری برای نمونه به شکل‌گیری ایل شاهسون در مقابل قزلباشهای عهد صفویه اشاره می‌کند که علیرغم از بین رفتن عوامل سیاسی و نظامی خاص آن زمان، ایل همچنان به حیات خود ادامه داده است.»

۲- شیوه معیشت

نیاز فیزیولوژیکی و یا جسمانی از جمله نیازهای اولیه و اساسی آدمی بوده و هست که این امر موجب حرکت و جابه‌جایی انسان از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر و یا اسکان در نقطه خاص می‌شده است. لذا نوع زندگی دامداری و یا شبنی در دوران اولیه عامل دیگری در شکل‌گیری ایلات بوده و از طرف دیگر وجوه مشترک این نوع زندگی از نظر کوچ همزمان برای بهره‌برداری از مراتع، تعاون و همیاری به یکدیگر در برابر مشکلات و رفع نیازمندی‌ها سبب انسجام و در نتیجه شکل‌گیری ایلات گردیده است.

۳- وابستگی‌های فAMILI

به دلیل محدودیت ارتباطات فردی، موانع جغرافیایی و رعایت برخی از سنت‌های کهن ایلی، بنا به ضرورت‌های زندگی معمولاً از گذشته دور ازدواج افراد عشایری ابتدا به نزدیکترین خانوارهای همجوار در بیلاق و یا قشلاق یعنی بنکو، سپس تیره، طایفه و ایلات دیگر محدود می‌شد و نهایتاً به درون جامعه روستایی و یا شهری گسترش می‌یافت.

۴- حوزه جغرافیایی و زیست بوم

رشد مستمر جمعیت به مرور زمان منجر به گسترش حدود و قلمرو زیست محیطی عشایر گردیده و افرادی که در محدوده زیست بوم بیلاق و قشلاق همجوار بوده‌اند، در قالب یک ایل مستقل شکل گرفته‌اند.

۵- زبان و گویش

عامل دیگر در شکل‌گیری ایلات را می‌توان زبان مشترک بین آنان دانست. معمولاً در دسته‌بندی ایلات یکی از وجوه تباین و تمایز زبان است؛ در مرزبندی‌های موجود زبان رایج و مشترک افراد هر ایل با زبان ایلات دیگر تفاوت دارد.

۶- اقتدار و ویژگی‌های سران ایل

اقتدار رؤسای ایلات عامل دیگری در جذب و یا به سيطرة درآوردن عشایر تحت پوشش ایل بوده است سران ایل بعضاً با گسترش نفوذ و قلمرو حاکمیت خود در تقویت و یا تضعیف ایل از بعد جمعیتی یا محدوده زیست بوم مؤثر بوده‌اند.

۱-۳- دسته بندی ایلات در فلات ایران

گذشته از ملاکهای مردم شناسی، انسان شناسی و جامعه شناسی، ایلات صحرائشین و نیمه صحرائشین فلات ایران را در دوران اسلامی می توان به سه گروه بزرگ تقسیم کرد:

گروه اول: عرب ها

«بیشتر قبایل عرب بخصوص عرب های خوزستان و سواحل خلیج فارس هنگام حمله اعراب به ایران آمدند.» « این طوایف شامل چعب (کعب) و ملائی هویزه بودند که همراه دیگر ایلات عرب تا حوالی بغداد رحله الشتاء و الصیف می کردند. در فارس نیز ایل عرب پرجمعیتی وجود داشت که بین شیراز، اصفهان و یزد بیلاق و قشلاق می نمود. عرب میش مست در خراسان، قراء ترشیز و قاین را داشت. اعراب در نقاط دیگر نیز بودند از جمله بنوشیان در طبس... در قرن نوزده گروه هایی از اعراب میش مست میان کاشان، لارو لواسان صحرائشین بودند. [میرزا عبدالرحیم ضرابی] «

دکتر ربیع بدیعی درباره ایل عرب چنین می نویسد: ایل عرب از ایلات خمسه فارس که خود به دو طایفه عرب جباره و شیبانی تقسیم می شوند در استان فارس سکونت دارند. عرب زبانان ایلات عرب که عموماً در سواحل خلیج فارس خصوصاً در استان خوزستان سکونت دارند از قبایل و ایل متعدد بزرگ و کوچک تشکیل می شود که اهم این قبایل و طوایف بنا به نوشته ایران شهر نشریه شماره ۲۲ کمیسیون ملی یونسکو در ایران - بنی کعب - بنی طرف - آل خمیس - آل حمید - آل کثیر - آل ضعیم - شرفا - بنی صالح - بنی عجریش - بنی حروان - بنی قاطع - بنی مالک - بنی تمیم - ایل عرب خمسه و طایفه صایبان می باشد.

گروه دوم: ترک و ترکمان

بیشتر ایلات ترک و ترکمان هنگام حمله سلجوقیان، مغولان و تیموریان به ایران آمدند. ترکان عبارت بودند از: افشار، قاجار، شقاقی (که در واقع کرد بودند) که میان آذربایجان و گیلان بیلاق و قشلاق می کردند، زنگنه (اینها نیز کرد بودند) در حوالی کرمانشاهان، قراگوزلو در حوالی همدان و بروجرد و نهاوند، شاهسیون (شاهسون) که بعضی در فارس و جمعی در میان آذربایجان و گیلان بودند.

در حال حاضر ترکمنها از جمله بزرگترین و با سابقه ترین قبائل عشایر کشور می باشند که منطقه وسیعی از مغولستان و آسیای مرکزی تا ترکستان و در ایران شمال استان خراسان و شرق دریای خزر را دربرمی گیرند. طوایف عمده ترکمنها «یموت»، «گوکلان» و «تکه» می باشند که نسبت به طوایف دیگر اهمیت و نفوذ بیشتری دارند.

گروه سوم: لرها، کردها، بلوچها، جیل (گیل)ها

لرها در ایران قابل تقسیم به: ۱- لر لرستان ۲- لر بختیاری ۳- لر کهگیلویه و بویراحمد ۴- لر ممسنی هستند.

-جغرافی دانان اولیه از ایلات قفص(کوچ) و بلوص (بلوض، بلوچ) در کرمان یاد کرده‌اند. ظاهراً اینان اقوام نیمه صحرائشین بوده‌اند. در حدود العالم قوم بلوص نشسته بر صحرای میان جیرفت و بافت و میان کوفنج ذکر شده که مردمانی‌اند دزد پیشه و شبان و ناپاک و خونخوار، فناخسرو بویی بسیاری از آنان را به حلیت‌های گوناگون بکشت. در دوران سلجوقی، قاورد بر قفص و بلوچ مستولی شد و قفص را در کوه‌های میانه بم و جیرفت جای داد. پس از مرگ سنجر، هجوم غزان به کرمان ظاهراً موجب گردید که بلوچها نقل مکان کرده به سوی مناطق شرقی رانده شوند.

-جیل (گیل‌ها) بیشتر کشاورز و دامدار بودند تا صحرائشین (ابن حوقل).

به نقل از گزنفون مورخ و سردار یونانی که شرح عقب‌نشینی سپاه ده‌هزار نفری اجیریونانی زبان کورش را نگاشته است، « طبقه‌بندی کردها به عنوان قومی ایرانی عمدتاً براساس سوابق زمانی و تاریخی است و به این واقعیت که ترکیبی از قومیتها و نژادهای بهم آمیخته در آنها وجود دارد لطمه نمی‌زند»

۱-۴- روند تحولات جمعیت عشایری نسبت به جمعیت کل کشور

همان طور که ملاحظه می‌شود با وجود این که جمعیت کل کشور در طی ۱۳۲ سال (۱۳۷۷-۱۲۴۵) از حدود ۱۵ برابر رشد برخوردار بوده، جمعیت عشایر کوچرو نسبت به تحولات جمعیتی کل کشور نوساناتی اندک و نهایتاً سیری نزولی داشته است. به طوری که اختلاف رقم جمعیتی سال ۱۲۴۵ با سال ۱۳۷۷ حدود چهارصد هزار نفر کاهش را نشان می‌دهد.

اما مقایسه دو مقطع سرشماری بافاصله حدود ده سال، روند افزایش را نشان می‌دهد. با توجه به میانگین رشد سالانه

جمعیت در عشایر، طبیعی است که عشایر کشور نیز دارای رشد جمعیت متناسب با فرایندهای جمعیتی باشد لیکن به دلیل

(جدول شماره ۲)

منبع	سال	جمعیت (هزار نفر)		سهم جمعیت عشایری از کل جمعیت
		کل کشور	عشایری	
منابع تاریخی	۱۲۴۵	۴۴۰۰	۱۷۰۰	۳۸/۶
	۱۲۶۳	۷۶۵۴	۱۹۱۰	۲۴/۹
	۱۲۷۸	۹۳۳۲	۲۱۳۸	۲۲/۹
	۱۳۰۲	۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰
	۱۳۱۸	۱۵۰۹۰	۳۱۰۰	۲۰/۵
	۱۳۴۲	۲۱۰۰۰	۲۰۰۰	۹/۵
مرکز آمار ایران	۱۳۴۵	۲۵۷۸۹	۲۵۰۰	۹/۶
	۱۳۵۳	۳۱۹۵۱	۸۷۷	۲/۷
	* ۱۳۶۶	۴۹۴۴۵	۱۱۵۲	۲/۳
	** ۱۳۷۷	۶۲۴۳۲	۱۳۰۴	۲/۱

* جمعیت کل کشور در سال ۱۳۶۵ منظور شده است.

** جمعیت کل کشور برای سال ۱۳۷۷ بر پایه نرخ رشد ۱/۹۶٪ در دوره ۱۳۷۵-۱۳۶۵ برآورد شده است.

محدودیت‌های زیست محیطی به خصوص ظرفیت محدود منابع برای دامداری، بخشی از این جمعیت به سمت روستاها و شهرها سرازیر شده و ناگزیر زندگی عشایری را رها کرده‌اند. بطور اعم جاذبه‌های شهرنشینی و محدودیت‌های روزافزون زندگی عشایری را می‌توان از جمله دلایل عمده کاهش جمعیت عشایری کشور ذکر کرد.

درصد جمعیت عشایر کوچرو کشور نسبت به کل کشور طی چندسال گذشته روند نزولی داشته که تقریباً طی هر دوره سرشماری چه قبل و چه بعد از انقلاب ادامه یافته است. براساس جدول و نمودار پیشین ملاحظه می‌شود که طی یک قرن سهم جمعیت عشایری در جمعیت کشور از ۳۸/۶٪ به حدود ۹/۶٪ تا ابتدای انقلاب و به ۲/۱٪ در سال ۱۳۷۷ تقلیل یافته است. بعد از انقلاب اسلامی طی دو دوره سرشماری سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۷۷ جمعیت عشایری کشور در قالب حدود ۱۰۲ ایل در مجموع ۱۵۲۰۰۰ نفر افزایش نشان می‌دهد. (جدول شماره ۳)

(جدول شماره ۳)

تغییرات جمعیت عشایر کوچرو طی دو مقطع سرشماری

سال سرشماری	خانوار	جمعیت	بعد خانوار	مرد	نسبت به کل (درصد)	زن	نسبت به کل (درصد)	نسبت جنسی (مرد به زن)
۱۳۶۶	۱۸۰۲۳۳	۱۱۵۲۰۹۹	۶/۴	۵۹۷۷۷۴	۵۱/۹	۵۵۴۳۲۵	۴۸/۱	۱۰۸
۱۳۷۷	۱۹۸۶۲۹	۱۳۰۴۰۸۹	۶/۵۶	۶۷۴۲۳۸	۵۱/۷	۶۲۹۸۵۱	۴۸/۳	۱۰۷
تغییرات	عدد	۱۸۳۹۶	۰/۱۶	۷۶۴۶۴	(۰/۲)	۷۵۵۲۶	۰/۲	(۱)
دو مقطع	درصد	۱۰/۲	۱۳/۲	۲/۵	۱۲/۸	۱۳/۶	۰/۴	(۰/۹)

با توجه به فاصله یازده ساله دو مقطع سرشماری عشایر کوچرو کشور (۱۳۶۶-۱۳۷۷) نتایج حاصله نشان می‌دهد به طور متوسط سالیانه تعداد خانوارها حدود ۰/۹ درصد و جمعیت ۱/۲ درصد افزایش داشته است. عدم کاهش جمعیت عشایر نشان می‌دهد که آنان اتکاء خود را به زندگی دامداری و بهره‌گیری از منابع طبیعی همچون گذشته به طور کامل حفظ کرده‌اند. البته با توجه به رشد جمعیت، این جامعه نیز دارای سرریز جمعیت به سمت شهر یا روستا بوده است؛ لکن زندگی عشایری به عنوان شیوهٔ معیشت، ظرف اصلی برای مظلوف یعنی عشایر بوده است و مازاد بر مظلوف کسانی بوده‌اند که به دلایل عدیده‌ای در قالب برنامهٔ سامان دهی دولت و یا خارج از برنامه پیش‌بینی شده زندگی عشایری را رها کرده‌اند.

(جدول شماره ۶)*

تعداد ایلات، طوایف، خانوار و جمعیت براساس سرشماری سال ۱۳۷۷

ایلات	طایفه مستقل	خانوار	جمعیت (نفر)
۱۰۲	۵۴۷	۱۹۹۹۶۵	۱۳۰۴۰۸۹

۱-۵- تفاوت‌های نظام اجتماعی عشایر کشور از لحاظ رده‌های سازمانی

رده‌های تشکیلاتی در ایلات و طوایف مستقل کشور دارای تفاوت‌هایی از لحاظ تعداد سطوح سازمانی و عناوین می‌باشد. بعضی از ایلات مانند بختیاری، لربویراحمد با هفت سطح دارای بیشترین رده و ایلاتی مانند یموت ترکمن با سه سطح کمترین سطح نظام اجتماعی را داراست. عشایر نقاط مختلف کشور را از لحاظ سطوح نظام اجتماعی معمولاً در بالاترین سطح مانند ایل، طایفه و یا تیره مشترک هستند و عمده تفاوت‌ها در سطوح پایین می‌باشد که در این بخش به نظام اجتماعی سنتی عشایر در ایلات و طوایف عمده بعضی از نقاط مختلف کشور به ترتیب از سطح خرد به کلان اشاره می‌شود.

* سرشماری عشایر کوچنده در دوره ییلاقی سال ۱۳۷۷ انجام شده و آن دسته از عشایر که زمان سرشماری در ییلاق

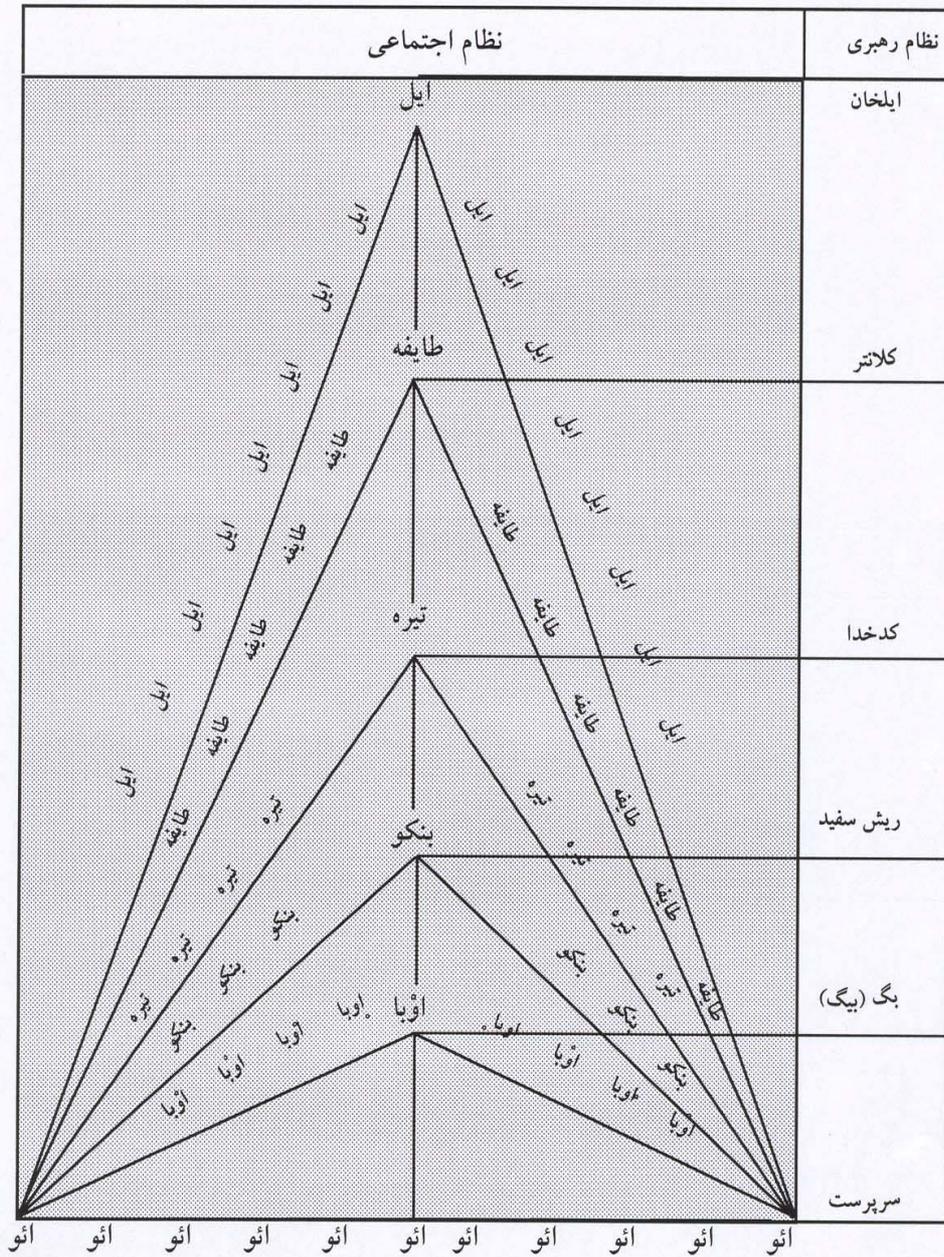
(جدول شماره ۷)

واحدهای تشکیل دهنده نظام اجتماعی سنتی جامعه عشایری

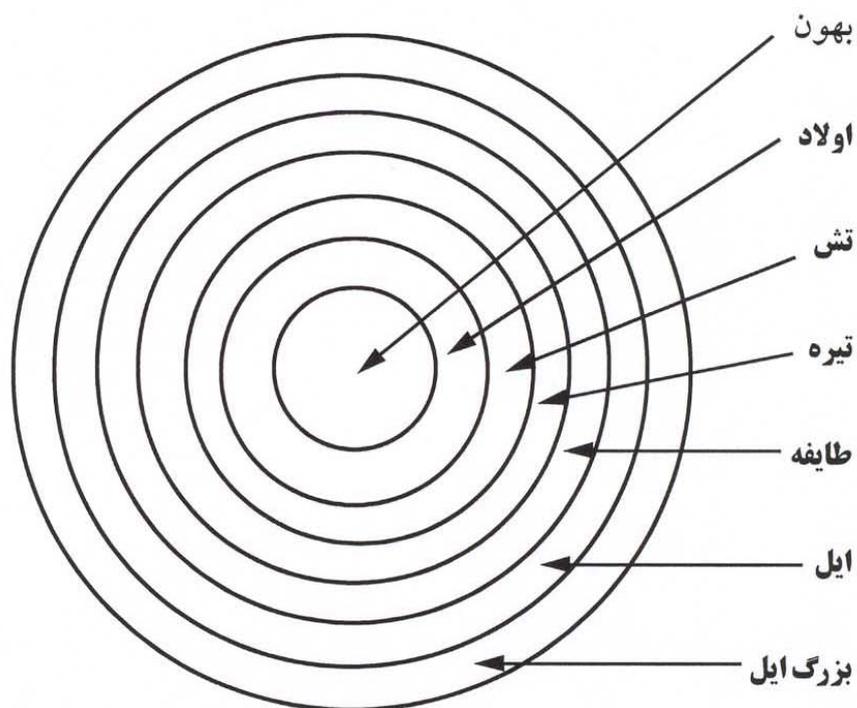
در ایلات و طوایف عمده ایران

منبع	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	واحد ایل
کوچ نشینی در ایران سکندر امان الهی	بزرگ ایل	ایل	طایفه یا باب	تیره	تش	اولاد	بهون	بختیاری
وابستگی و مشاهده شخصی نویسنده	—	ایل	طایفه	تیره	بنکو	اؤبا یا بیله	ائو یا ائی	قشقایی
کوچ نشینی در ایران سکندر امان الهی	—	ایل	طایفه	تیره	بنکو	دودمو	حونه	لر (لرستان)
ساختارهای اجتماعی عشایر بویرا احمد - هیبت اله غفاری	ایل	تیره	طایفه	اولاد	تش	حونه	خانوار	لر بویرا احمد
فصلنامه عشایری ذخائر انقلاب شماره ۱۲ ایرج افشار سیستانی	—	—	—	طایفه	تیره	شلوار	خانوار	بلوچ
کوچ نشینی در ایران - امان الهی	—	—	ایل	طایفه	زات	پسرنده	کس	بلوچ
مصاحبه با برادران کاظمی	—	—	طایفه	تیره	اولاد	بیله	خانوار	باصری
مصاحبه با آقای هوشنگ سهام پور نویسنده ایل عرب	ایل	طایفه	تیره	اولاد	بیله	بنکو	خانواده با خانوار	عرب استان فارس
ایل ها، چادر نشینان ایرج افشار سیستانی	—	—	ایل	طایفه	تیره	آبه	خانوار	ترکمن
کوچ نشینی در ایران - امان الهی	—	—	—	طایفه	اونلیق	—	ائی	یموت ترکمن
منبع فوق الذکر	—	—	طایفه	حموله	اولاد	بیت عم	بیت	عرب خوزستان
ایل ها، چادر نشینان - ایرج افشار	—	ایل	طایفه	تیره	گوبک	آبه	خانوار	شاهسون
منبع فوق الذکر	—	—	—	ایل	تیره	طایفه (دسته)	خانوار	سنجایی
همان منبع	—	—	ایل	طایفه	تیره	مال	خانوار	ملک شاهی
همان منبع	—	—	ایل	طایفه	تیره	ایشوم	خانوار	بوچاتیچی

نظام اجتماعی و رهبری ایل قشقای
(به عنوان نمونه)



ساختار اجتماعی سنتی ایل بختیاری
(به عنوان نمونه) (۳۸)



هرم قدرت عشایر ایل بختیاری
(به عنوان نمونه)



۲- کوچ نشینی و عوامل مؤثر بر آن

منظور از کوچ نشینی نوعی زندگی است که در آن انسان به دلیل اتکاء به شغل دامداری به منظور بهره‌گیری از منابع طبیعی و تعلیف دام ناچار به حرکت و جابجایی از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌باشد. با این تعریف کوچ‌نشینی، ویژگی‌های زندگی گذشته در بسیاری موارد با زندگی کوچ‌نشینی امروز قابل انطباق است. کوچ رفت و برگشت سالیانه خانوار عشایر به منظور دستیابی به مرتفع، آب و هوا و تطابق با شرای اقلیمی مناسب تر است که غالباً همراه دام و سایر دارای‌های منقول به صورت معی و سازمان یافته در قلمرو معینی انجام می‌گیرد. این رفت و برگشت علاوه بر جهت اکولوژیکی ممکن است دارای جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، حقوقی، نظامی، امنیتی، فرهنگی و روانی هم باشد که از ایل به ایل یا از طایفه‌ای به طایفه‌ای، میزان تأثیرگذاری آنها متفاوت است.

نتیجه کاوش در یک تپه باستانی (واقع در جنوب غربی اندیشمک) در سال ۱۳۵۲ توسط پروفیسور هول نشانگر آن است که انسان در حدود ۸ هزار سال پیش در حالیکه فقط به پرورش بز مشغول بوده، به طور موقت همانند کوچ‌نشینان کنونی بخشی از سال (فصل زمستان) را در این منطقه گذرانده است. بنابراین زندگی کوچ‌نشینی در کشور، نزدیک به هشت هزار سال پیش پدیدآمده است.^۱

۲-۱- عوامل مؤثر در کوچ

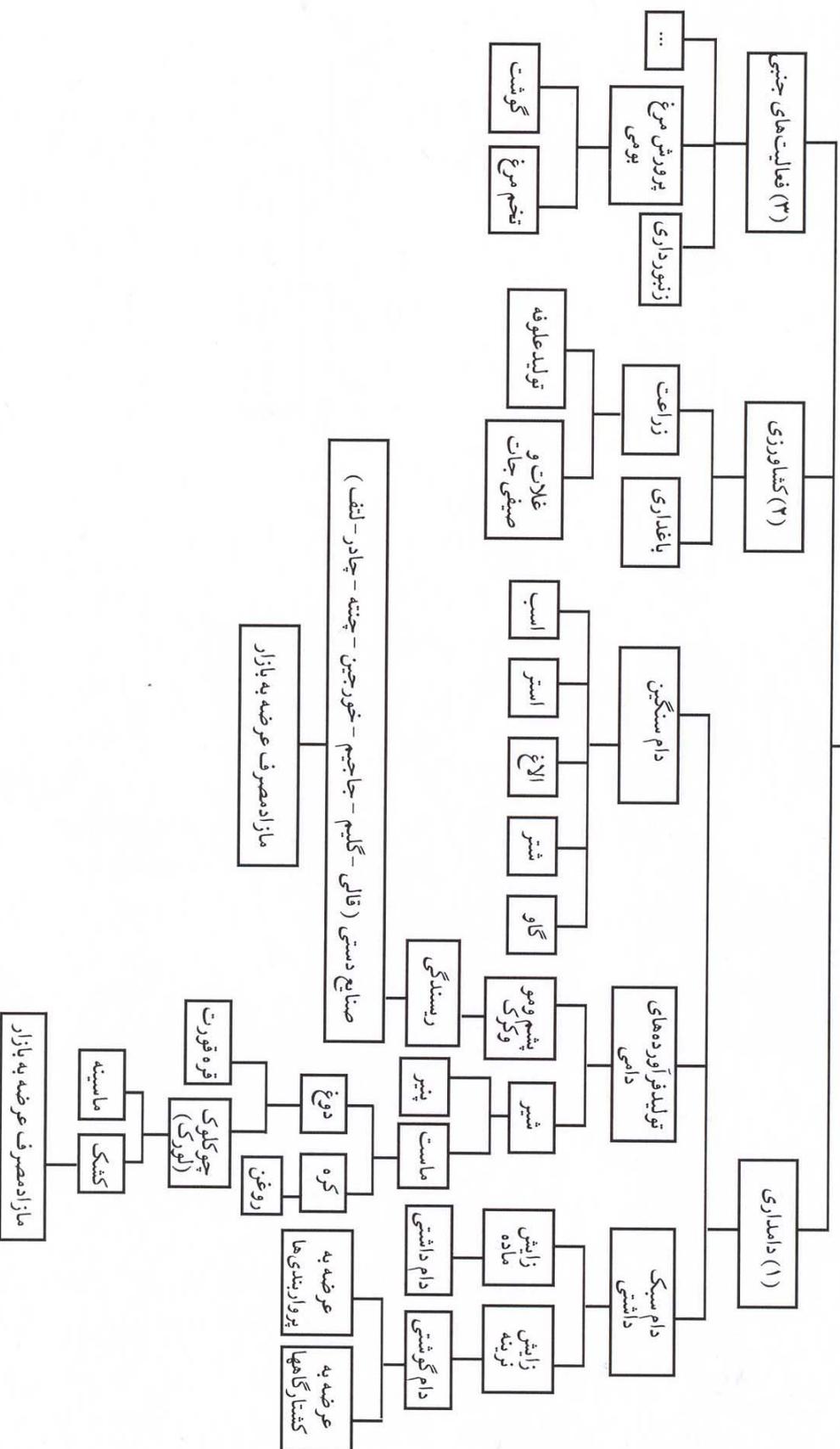
۲-۱-۱- اشتغال

ضرورت کسب درآمد برای تأمین نیازمندیهای زندگی برکسی پوشیده نیست. یکی از ابتدایی ترین روش‌های زندگی برای تأمین معیشت بهره‌برداری انسان از منابع طبیعی بوده که با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش بشری بهره‌گیری از آن با استفاده از تکنولوژی روش‌های پیچیده‌تری را به خود گرفته است.

عشایر کشور نیز در همین راستا با اتکا به ساده‌ترین روش‌های زندگی یعنی اشتغال به دامداری سنتی، حیات خود را حفظ نموده و در پرتو آن تن به کوچ داده است. در خصوص اشتغال در جامعه عشایری می‌توان گفت هر چادرسایه عشایری یک کانون خودکفای تولیدی و یا یک مجتمع تولیدی چند منظوره است. که نقش اساسی در تولید مواد غذایی، پوشاک و ایجاد اشتغال دارد. نمودار صفحه بعد گویای همین مطلب است.

^۱-امان الهی، سکندر- کوچ نشینی در ایران- بنگاه ترجمه و نشر کتاب- سال ۱۳۶۰ ص ۲۷

چادر عشائری / کارگاه کوچک تولیدی / مجتمع کوچک تولیدی سیار



۲-وابستگی‌های ایلی

نظام اجتماعی عشایر بر قاعدهٔ خویشاوندی استوار است. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران هیچ رهبر و مسؤولی برای رده‌های سازمانی نظام اجتماعی عشایر مشخص نگردید؛ اما ساختار این جامعه کماکان به قوت خود باقی ماند. علت پایداری و مقاومت این ساختار به دلیل محکم بودن شالوده آن است که براساس خویشاوندی پایه‌گذاری شده است.

لازم به ذکر است که وابستگی‌های ایلی شامل ۱-وابستگی‌های فامیلی و قومی

۲-وابستگی‌های اقتصادی و معیشتی ۳-وابستگی‌های فرهنگی می‌باشد.

۳- فشارهای محیطی بر جامعه عشایری ایران

۳-۱- ابعاد و نمودار عوامل محیطی مؤثر

عوامل محیطی بطور مستقیم و غیرمستقیم توسط جامعه جهانی و جوامع شهری و روستایی بر روی جامعه عشایری کشور اثر می‌گذارد که بعضاً به صورت مرحله‌ای است. قطعاً جامعه جهانی به نوبه خود اثراتی را بر روی همه جوامع می‌گذارد که جامعه عشایری نیز همانند دیگر جوامع از آن متأثر است.

همانند توزیع و یا پخش تصاویر و اطلاعات که تقریباً حالت غیرمنطقه‌ای دارد و به سمت توزیع جهانی پیش می‌رود.

اما بعضی از عوامل محیطی نیز وجود دارد که بدون واسطه توسط جامعه شهری و یا روستایی بر روی جامعه عشایری اثر می‌گذارد که در قسمت‌های بعدی توضیح داده خواهد شد.

نمودار عوامل محیطی مؤثر بر جامعه عشایری



۳-۲- تقسیم بندی فشارهای محیطی

۳-۲-۱- تنگناهای فرهنگی

با توجه به گستردگی تغییرات پیش آمده در مسائل فرهنگی به چند مورد از مصادیق ظاهری فرهنگ که نوع زبان برای گفتن و نوشتن و آداب و رسوم برای عمل به اندیشه‌ها و باورهاست اشاره می‌شود.

۳-۲-۱-۱- کاهش فزاینده تعداد متکلمین زبان

تعداد زیادی از عشایر ایران به زبانهای ترکی و عربی و یا گویش‌های لری و کردی صحبت می‌کنند. وابستگی این جامعه به جوامع شهری و روستایی و روند رو به گسترش آن باعث شده است تا زبان فارسی که در یک قرن گذشته برای بسیاری از آنان نا آشنا بوده است همانند زبان اصلی جایگاه پیدا کند.

در ایران زبان رسمی کشور فارسی است و در کلیه مدارس ابتدائی، متوسطه و مؤسسات عالی کشور به همین زبان تدریس می‌شود و اکثر قریب به اتفاق روزنامه‌های کشور به زبان فارسی چاپ و منتشر می‌شوند و بیشتر برنامه‌های صدا و سیما نیز به زبان فارسی پخش می‌شود. لذا هر روز دامنه زبان فارسی گسترش یافته و نفوذ آن در بین افراد جامعه عشایری بیشتر شده است.

نکته قابل توجه این است که به موازات یادگیری و بکارگیری زبان رسمی کشور زبان مادری جامعه عشایری مواجه با عقب‌نشینی وسیع و قابل ملاحظه‌ای گردیده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از افراد این جامعه که در درون جامعه شهر و یا روستا سکنی گزیده‌اند زبان قوم و قبیله خود را فراموش کرده‌اند.

۳-۲-۱-۲- آداب و رسوم

در سطح جهان فرهنگ اقوام و ملت‌های کوچک به دلیل تهاجم فرهنگ‌های جهانی در حال نابودی و فراموشی است. در ایران نیز جامعه عشایری از این قاعده، مستثنی نیست. فرهنگ یک جامعه اعم از آداب و رسوم، هنر و خلاقیتها، ذوق و استعدادها، تعلیم و تربیت، جنگ و صلح، تجارت و سیاحت، زیستن و مردن... هویت و روح ملتی است که در طی قرون متمادی با زحمت و تلاش به تکامل رسیده است.

آداب و رسوم شامل موارد متعددی می‌شود از جمله:

پوشیدن لباس، مراسم عروسی، مراسم عزاداری، افسانه‌ها و اساطیر خاص، موسیقی، نقاشی، هنرهای رزمی و نمایش آنها در مراسم - اسب سواری، تیراندازی و ...

مع الوصف رفتارها و خصلت‌های عشایر به عنوان ویژگی‌های فرهنگی که ناشی از مقتضیات و شرایط سخت زندگی آنان است، سرمایه ارزشمندی است که پاسداری از آن دارای اهمیتی به مراتب بیشتر از سرمایه‌های مادی است. لذا شایسته

است با طرحی نو ضمن اصلاح شرایط سخت و رفع محرومیت‌ها و نارسایی‌های اقتصادی و اجتماعی زیبایی‌های فرهنگی این جامعه همچون شجاعت، شهامت، مقاومت، سخاومت، قناعت و ... را حفظ و تقویت کرد.

۳-۲-۱-۳- بیسوادی و کم سوادی در عشایر

براساس سرشماری سال ۱۳۷۷ از جمعیت لازم‌التعلیم عشایر کشور (جمعیت ۶ سال به بالا) حدود ۴۷/۲ درصد باسوادی می‌باشند. این درصد نسبت به جوامع شهری و روستایی که به ترتیب دارای حدود ۸۵/۷ و ۶۹/۳ درصد باسوادی است رقم اندکی محسوب می‌شود. تغییر این وضعیت امکانات و سرمایه‌گذاری بیشتری را در مناطق عشایری جهت گسترش فعالیت تشکیلات آموزش و پرورش عشایر سیار می‌طلبد. اگر چه براساس مقایسه دو مقطع سرشماری روند باسوادی در جامعه عشایر نسبت به شهر و روستا رشد بیشتری را نشان می‌دهد.

۳-۲-۱-۴- در اقلیت بودن مردم عشایر و توسعه پراکندگی

اگر چه براساس آمار و ارقام موجود تعداد عشایر کوچنده در طی سالهای متمادی با اندک نوساناتی روبرو بوده است، لکن در مقایسه با رشد جمعیت کل کشور کاهش چشمگیری داشته است. در سال ۱۳۱۸ جمعیت عشایر حدود ۲۰/۵ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌داده است. در حالی که براساس سرشماری سال ۱۳۷۷ جمعیت عشایر کوچرو کشور حدود ۰۸۹/۳۰۴ نفر می‌باشد که نسبت به ۶۰/۰۵۵/۴۸۸ نفر جمعیت کل کشور در سال ۱۳۷۵ حدود ۲/۱۷ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد.

جمعیت حدود دو درصدی عشایر کشور در قبال ۹۸ درصد جمعیت اسکان یافته (شهری و روستائی) آنان را از بعد جمعیت‌شناسی در اقلیت قرار داده است که این خود از جمله عوامل مهم در رکود زبان و فرهنگ آنان محسوب می‌شود؛ ضمن اینکه هر روزه نیز با روانه شدن تعدادی از آنان به سمت شهرها و روستاها از جمعیت عشایری کاسته می‌شود. از طرف دیگر پراکندگی عشایر در سطح کشور با تراکم نسبی حدود ۱ نفر در کیلومتر مربع در مقایسه با تراکم نسبی ۳۶ نفر جامعه شهری و روستایی در هر کیلومترمربع عامل دیگری در نارسایی‌های ناشی ازدشواری برقراری مراودات و ارتباطات دورنی آنها با یکدیگر و بیرونی با دیگر جوامع است.

۳-۲-۱-۵- فقدان ساختار قوی فرهنگی عشایری در نظام برنامه ریزی

نداشتن جایگاه حمایتی و تشکیلاتی قوی از چند جهت قابل توجه است: تلاشهایی که بایستی برای کاهش و یا از بین بردن فشارهای محیطی برعشایر ایران صورت گیرد، در مقایسه با گستردگی و عمق این نارسای‌ها بازده چندانی نداشته است. از این رو بدیهی است که روزه روز تنگناهای زندگی کوچ نشینی بیشتر خواهد شد.

در ترویج فرهنگ و ادبیات رسمی کشور که بیشتر منطبق با فرهنگ شهر و روستا است، اعتبارات زیادی هزینه می‌شود که عشایر کشور سهم چندانی از آن ندارد. سهم بهره‌مندی عشایر از چاپ و انتشار جراید و یا تهیه برنامه‌های شنیداری، دیداری و نمایشی اندک است. البته این به معنای آن نیست که دولت تمایل به هزینه کردن ندارد بلکه فقدان جایگاه تشکیلاتی قوی و وظیفه مند در این خصوص و عدم شناخت کافی با نحوه برنامه‌ریزی و ارائه خدمات به چنین جامعه‌ای می‌تواند از جمله دلایل این وضعیت باشد. لذا عشایر با بهره‌گیری از برنامه‌های سایر جوامع که بعضاً بیگانگی زیادی با فرهنگ آنان دارد، ناچار به الفت و سازگاری با آن است که به مرور زمان با تغییرات فرهنگی اجتناب ناپذیری نیز مواجه می‌شود.

۳-۲-۲- تنگناهای اجتماعی

عمده تنگناهای اجتماعی عشایر ایران عبارتند از:

۳-۲-۲-۱- فقدان نظام رهبری سنتی با توجه به نقش آنان

که نقش آنان شامل:

- تعیین و اعلام تقویم کوچ

- ممیزی مراتع

- حل اختلاف

- ارتباط بین دولت و عشایر

- سازماندهی در برابر دشمن

۳-۲-۲-۲- فروپاشی نظام ایل و دلایل آن که شامل:

- نارسایی‌های معیشتی

- تلقی وابستگی رهبران به دولت وقت

- کم توجهی دولت در جایگزینی نظام سنتی

- حذف هویت عشایری در اوراق سجلی عشایری

۳-۲-۳- تنگناهای اقتصادی

از جمله تنگناها و نارسایی‌های محسوس در جامعه عشایری تنگناهای اقتصادی است که اثرات آن به دلیل ارتباط مستقیم با شیوه معیشت زندگی عشایر به وضوح قابل مشاهده و اثبات است که در این قسمت به بعضی از دلایل عمد این نارسائی‌ها اشاره می‌شود.

۳-۲-۳-۱- بسته شدن ایل راهها

کم توجهی و غفلت در نگهداری و احداث راه باعث شده است تا عشایر در فصل کوچ از راههای آسفالتی ماشین رو استفاده نمایند که این امر همراه با تلفات جانی و خسارتهای مالی فراوان است. ضمن اینکه در بعضی از شهرها عشایر ناچار به عبور از داخل شهرها هستند که آن هم موجب می‌گردد رفت و آمد شهری دچار اختلال و بی‌نظمی گردد.

۳-۲-۳-۲- از بین رفتن مراتع میان بندها و اطراقگاهها

میان بندها و اطراقگاهها مکانهایی در مسیر کوچ عشایر هستند که حد فاصل بیلاق و قشلاق قرار دارند و عشایر برای رفع خستگی و استراحت خود و دامهایشان بطور موقت در آن استقرار می‌یابند. رشد جمعیت، گسترش شهرنشینی و توسعه شهر و روستا، بالا رفتن سطح زیرکشت کشاورزان در امر زراعت، باغداری و دامداری، احداث کارخانجات و صنایع، ایجاد پادگانهای متعدد نظامی و ... موجب دخل و تصرف روزافزون ایل راهها، میان بندها و اطراقگاهها گردیده است. به طوری که در بسیاری مناطق به هنگام کوچ نه راهی برای حرکت و نه جایی برای ماندن و توقف عشایر باقی مانده است.

۳-۲-۳-۳- فقدان نظام حمایتی از حجم گسترده تولیدات

تولیدات در عشایر کشور متنوع و فرآورده‌های دامی و صنایع دستی عمده‌ترین تولیدات آنان است. تولیدات عشایر به طور سنتی و با استفاده از ابزارآلات ابتدایی صورت می‌گیرد و هیچ گونه استانداردی بر کیفیت اعمال نمی‌شود.

۳-۲-۴- تنگناهای حقوقی

بعضی از تنگناهای عمده حقوقی در عشایر ایران عبارتند از:
حق مالکیت - حق اجیر - وثیقه - ثبت اسناد و املاک - حصر وراثت - اقامه دعوی - صلح

۴- ضرورتها و راه‌حل‌های کاهش فشارهای محیطی

۴-۱- ضرورتها و مبانی نظری برای کاهش فشارهای محیطی

علیرغم اینکه تعدادی از عشایر به دلایل ناشی از فشارهای محیطی و جاذبه‌های زندگی شهری، زندگی کوچروی را رها می‌کنند، لکن انتخاب این نوع زندگی برای اشتغال همچون گذشته جویندگان کار را از درون خود جامعه و یا دیگر جوامع به سوی خود جذب خواهد کرد.

با وجود این کاهش فشارهای محیطی به چند دلیل ضروری است:

۴-۱-۱- عدالت اجتماعی

۴-۱-۲- الزامات قانونی

۴-۱-۳- واقع نگری

۴-۲- راههای عمده برای کاهش یا مقابله با فشارهای محیطی

همان طور که در بخش‌های قبلی اشاره شد عشایر کشور مواجه با محدودیت‌ها و تنگناهایی است که بطور خواسته و ناخواسته اعمال می‌شود. بخشی از این تنگناها به دلیل اثرات محیطی تصمیماتی است که غالباً خارج از کنترل است. به عبارتی، مسائل امروز ناشی از راه‌حل‌های دیروز است و بهتر است به جای آنکه به سرزنش شرایط محیطی امروز یا به فخر گذشته اکتفا شو برای خروج از بن بست، راه‌حل نوینی وضع شود که با ملاحظه مشکلات امروز متناسب با شأن و منزلت گذشته نیز باشد.

برای یافتن راه‌حل مناسب نیز ذکر این گفته انیشتین ضروری است که «به هنگام رویارویی با مشکلات از همان سطح تفکری که آن مشکلات را بوجود آورده‌ایم آنها را برطرف کنیم.»

اجماع نظر صاحب نظران و اندیشمندی که به مسائل روز عشایر آگاهند و با علم نسبت به برنامه‌های جهان آینده را تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی می‌کنند، می‌تواند پیشوانه مطمئنی در نظام برنامه ریزی عشایر باشد. لذا برای فراهم آوردن شرایط مذکور و برای آنکه بتوان فشارهای محیطی ناشی از تصمیمات برون از جامعه را تقلیل و یا خنثی نمود چند راه حل عمده پیشنهاد می‌شود.

۴-۲-۱- نگرش تخصصی در برنامه ریزی‌ها

۴-۲-۲- تجزیه و تحلیل و درک شرایط محیطی

۴-۲-۳- برنامه ریزی علمی

۴-۲-۴- طراحی طرح توسعه جامع عشایر

۴-۲-۵- طراحی و توسعه ساختارهای اجتماعی هدفمند

در خصوص طراحی توسعه ساختارهای اجتماعی هدفمند می‌توان به دومورد ذیل اشاره نمود:

۱- جایگزینی نظام رهبری جدید به جای نظام رهبری سنتی

۲- توسعه تشکلهای غیردولتی ویا مردمی (N.G.O)

۵- پیش درآمد برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر

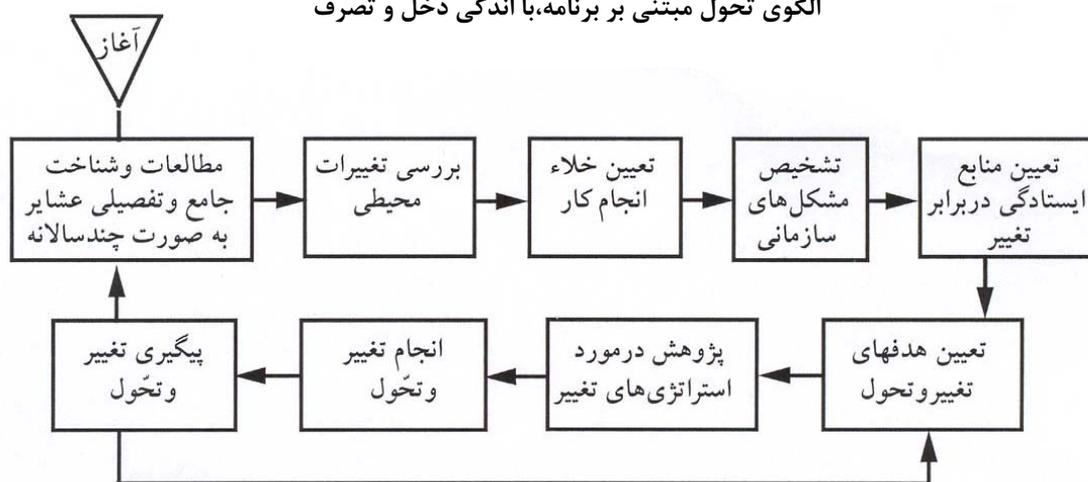
۵-۱- ضرورت طراحی الگوی تحول

هر اقدامی برای بهبود زندگی عشایر کشور اعم از عشایر متقاضی اسکان، رمه گردان و کوچرو مستلزم تدوین روشهای علمی برای برنامه ریزی است.

داشتن یک الگوی تحول به گونه‌ای که فرایند برنامه ریزی را نشان دهد، باعث خواهد شد تا ضمن اینکه از فرصتها و امکانات بیشتر استفاده می‌شود، از آشفتگی و هرج و مرج در تصمیمات و اعمال سلیقه‌ها جلوگیری گردد و حرکتها به سمت وسویی روشن و هدفمند سوق داده شود.

اولین و مهمترین قدم برای برنامه ریزی کسب شناخت است. تا چه حد با جامعه‌ای که می‌خواهید برای آن برنامه ریزی کنید آشنا هستید؟ بنا به گفته سقراط « یک زندگی مطالعه نشده ارزش زیستن ندارد.» بررسی تغییرات محیطی و انجام برنامه‌ریزی زمانی میسر است که با ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه مورد نظر آشنا باشید. حتی اگر علاقه‌مندی و اشتیاق خدمت نیز در حد بالایی باشد، بدون شناخت جامع و کامل ارائه خدمات مطلوب میسر نخواهد شد. لذا بهتر است شناخت (جامع، نیمه تفصیلی، تفصیلی) را به عنوان اولین قدم در طراحی الگوی تحول در نظر گرفت که در الگوی ارائه شده ذیل نیز این قدم مهم در ابتدای فرایند مورد توجه قرار گرفته است.

الگوی تحول مبتنی بر برنامه، با اندکی دخل و تصرف



یکی از این روش‌های علمی توجه به نظریه‌های موجود در مباحث مربوط به تغییر در رفتار افراد جامعه است. توجه کامل برنامه ریزان و مجریان به مفهوم تغییر و تحول، تغییر از نظر زمانی، مقاومت‌های تغییر و راه‌های مقابله با آن، استراتژی‌های تغییر و داشتن یک روش تغییر متناسب با ویژگی‌های جامعه عشایر امری ضروری است.

۲-۵- روش پیشنهادی برای ایجاد تغییر در جامعه عشایر

فرآیند تغییر

چنانچه براساس نتایج مطالعات، ایجاد تغییر در زندگی و شیوه معیشت عشایر الزامی باشد، رعایت اصول علمی برای انجام این کار مهم نیز الزامی و ضروری است.

۲-۵-۱- ایجاد الفت

اولین و اساسی‌ترین قدم برای جامعه عشایری فراهم آوردن زمینه الفت فرهنگی بین آنان و جامعه شهری و روستایی است. به دلیل عدم آگاهی از تفاوت نوع زندگی، شیوه معیشت و مراودات اجتماعی، احساس نوعی بیگانگی و برداشت‌های ظاهری بین این سه جامعه وجود دارد که این احساس در بسیاری از مناطق کشور جامعه عشایری را در تقابل باد و جامعه دیگر قرار می‌دهد.

در این تقابل هیچ یک از طرفین همدیگر را به خوبی نمی‌شناسد و چون نمی‌شناسد از کنار هم می‌گذرند؛ بدون اینکه ارتباطی برقرار شود و یا پیامی مبادله گردد. عشایر نسبت به جامعه جدیدی که برای آنها مفروض است اطلاعات و آگاهی‌های لازم را ندارند.

طبیعی است آنها در حالت بدبینانه با ترس و دلهره و تشویش خاطر و در حالت خوش بینانه با شتاب و عجله وارد محیط و فضای زندگی جدیدی می‌شوند که با هیچ شناختی عقلانی و واقع بینانه همراه نیست. لذا شایسته است آنان را با پشتوانه فکری و دانش شغلی و اجتماعی برای ورود به زندگی جدید مورد حمایت جدی قرار داد. نمونه موفقیت آمیز این روش، نظام تعلیم و تربیت عشایر کشور است. اداره کل آموزش و پرورش عشایر کشور با برپایی مدارس ابتدایی ضمن اینکه اولین قدم اساسی را در نهضت سوادآموزی برداشت، زمینه ایجاد شناخت از جوامع دیگر را برای فرزندان عشایر نیز فراهم آورد.

۵-۲-۲- تغییر برمبنای مشارکت

توجه و تعمق به مفاهیم آیات قرآن کریم مؤید مشارکت دادن افراد برای تغییر در سرنوشت خودشان است. خداوند متعال در سوره رعد آیه ۱۱ می‌فرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتعبروا بما بانفسهم « خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانیکه خود آن قوم حالشان را تغییر دهند» .

چنین برداشت می‌شود که همه افراد برای ایجاد تغییر بایستی آمادگی لازم را از طرف خودشان نشان دهند. به عبارت دیگر تغییر بایستی در سایه مشارکت عمومی صورت گیرد. لذا لازمه ایجاد تغییر فراهم آوردن زمینه مناسب برای مشارکت همگان است که آنها در سایه رشد فکری و افزایش دانش و معرفت عمومی میسر خواهد بود.

از این رو دقت نظر در رعایت اصل مشارکت به عنوان رهیافت علمی برای ایجاد تغییر در زندگی عشایر موجب تضمین آینده‌ای بهتر برای کسانی است که از ناچاری و به دلیل محدودیت‌های روزافزون زندگی به سوی یکجانشینی روی می‌آورند.

بدیهی است چنانچه اهمیت موضوع ناچیز شمرده شود، نه تنها سرمایه‌های دولت برای سامان‌دهی آنان به هدر می‌رود بلکه متقاضیان زندگی جدید بابدینی نسبت به برنامه‌های دولت به عنوان افرادی مزاحم و سربار در حاشیه شهرها مسکن خواهند گزید.

۵-۲-۳- فراهم آوردن محیط مورد انتظار

براساس آنچه که در مرحله اول به فرد آموزش داده می‌شود توقعات و انتظاراتی را برای شخص نیز بوجود می‌آورد. فراهم آوردن محیط مورد انتظار ضمن اینکه خواسته‌ها و تمایلات افراد را تأمین می‌کند زمینه عملی شدن آموزشها را نیز فراهم می‌سازد.

در برنامه ریزی جهت تغییر، اهدافی برای عشایر ذینفع در نظر گرفته می‌شود که آنان نیز برای دستیابی به آن اهداف اقدام به مشارکت می‌کنند. این امر ثابت می‌کند که آن نیز فراتر از بحث نظری خواهان تحقق عملی و عینی اهداف هستند. در این مرحله لازم است به انتظارات پاسخ عملی داده شود و محیطی متناسب با آنچه که گفته شد فراهم گردد و شیوه‌های جدید اشتغال با حمایت‌های لازم به کار گرفته شود. چنانچه شرایط به گونه‌ای که مورد انتظار بوده فراهم نگردد، تغییرات انجام شده فراموش خواهد شد. می‌توان گفت که پایداری تغییرات مورد انتظار بستگی به فراهم آوردن محیط سازگار و منطبق با تغییرات دارد.

۵-۲-۴- همراهی، هدایت و حمایت

برقراری یک روش معقول برای بازخورد و نتایج کارکرد امری ضروری است. به دلیل نیازهای روحی-روانی یا مادی - معنوی که افراد دارند، باید در مسیر حرکت به سمت تغییر مورد انتظار دائماً مورد تشویق و همراهی قرار گیرند. چنانچه در طول حرکت بطور خواسته یا ناخواسته از مسیر تعیین شده خارج گردند، مجدداً به سمت اهداف تعیین شده مورد هدایت قرار گیرند و یا هر جا به دلیل مشکلات قادر به خوداتکایی نبوندند مورد حمایت قرار گیرند تا زمینه سازگاری فراهم گردد. به دلیل ناهنجاری‌های زیادی که در حین اجرای برنامه و انطباق با شرایط جدید پیش می‌آید هم فکری کردن، هدایت نمودن و مورد حمایت قرار دادن امری ضروری است. لذا بهترین پشتوانه برای این مرحله بهره‌گیری از دوره‌های تکمیلی آموزش‌های مورد نیاز است.

۶- نحوه برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر کشور

۶-۱- مطالعات و برنامه ریزی

جهت هرگونه برنامه ریزی برای جامعه عشایری بایستی کار را با جمع‌آوری اطلاعات شروع نمود که انجام آن نیازمند اقدامات متعددی است.

۶-۱-۱- سامانه‌بندی* یا فضاسازی برای برنامه ریزی

برنامه ریزی که اساس آن براطلاعات استوار است از جمله مشکلات برای دستگاه‌هایی است که می‌خواهند با عشایر ارتباط برقرار کنند و یا اینکه خدمتی را به آنها ارائه دهند.

پراکندگی عشایر در محدوده وسیعی از کشور بخصوص در مناطق صعب العبور، مشخص نبودن محل دقیق استقرار هر یک از خانوارهای عشایری از نظر جغرافیایی و فقدان اطلاعات جامع نسبت به امکانات و منابع موجود و مورد استفاده در مناطق عشایری از جمله مشکلات برنامه ریزان است.

برنامه ریزی برای جامعه شهر و روستا بر مبنای تقسیمات کشوری و حوزه جغرافیایی صورت می‌گیرد. برنامه ریزان با توجه به محدوده جغرافیایی تعیین شده برای هر آبادی، اطلاعات جمعیتی، امکانات موجود و کمبودها را برآورد و اقدام به تأمین نیاز می‌کنند.

برای یکسان سازی روش‌های برنامه ریزی بهتر است این نوع تقسیمات نیز برای عشایر در نظر گرفته شود. اگر چه تفاوت‌های اندکی از نظر تراکم جمعیت وجود دارد.

هر خانوار عشایری در محدوده زیست خود دارای قلمروی است که به آن سامان می‌گویند. سامان یا سامانه در برگیرنده محل اطراق، مرتع و امکانات موجود در آن می‌باشد. در بین مردم عشایر سامانه برای جمعیت بیش از یک خانوار (همه طبقات اجتماعی) نیز تعریف شده و روشن است. سامانه هر رده اجتماعی بیش از کوچک‌ترین سطح (خانوار) تا بالاترین سطح (ایل) مشخص است.

لذا سامانه‌بندی مناطق عشایرنشین به معنای مشخص نمودن و ترسیم حدود جغرافیایی خانوارهای عشایری با یکدیگر می‌تواند پایه اطلاعاتی بسیار خوبی برای برنامه‌ریزان از جهات متعددی باشد. زیرا بدین طریق محدوده جغرافیایی هر خانوار، امکانات و منابع موجود در آن شناسایی شده و بر مبنای آن می‌توان برنامه ریزی نمود.

* سامان یا سامانه واحدی اجتماعی، مکانی برای برنامه‌ریزی- مانند روستا در تقسیمات کشوری می‌باشد. برای آگاهی از تعریف کامل آن به آخر کتاب بخش اصطلاحات مراجعه فرمائید.

۶-۱-۲- جمع آوری آمار و اطلاعات

اولین قدم برای برنامه ریزی جمع آوری آمار و اطلاعات درست از وضعیت زندگی عشایر، منابع، امکانات و خواسته‌های آنان است. زیرا پایه تصمیم‌گیری خوب بر اطلاعات صحیح و به هنگام استوار است. نقل است که تصمیم‌گیری درست مرکب از ۹۵٪ اطلاعات و ۵٪ قضاوت است.

بدیهی است برای آنکه بتوان تصمیم مناسب و در خور شرایط عشایر وضع کرد، بایستی اطلاعات دقیق و به روز از کلیه امکانات و محدودیت‌ها داشت تا با توجه به فرصت‌ها و تهدیدها تصمیم‌های مناسبی اتخاذ گردد.

۶-۱-۳- تمرکز تقسیم بندی محدوده مطالعاتی از نظر قلمرو زیست‌عشایر

داشتن یک مرکز مطالعاتی و اطلاع‌رسانی برای جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن، اولین اقدام اساسی برای برنامه‌ریزی عشایر کوچرو است. از این رو تشکیل دفتر مطالعاتی و تحقیقاتی می‌تواند برنامه‌ریزان و دستگاه‌های اجرایی کشور را ضمن هماهنگ نمودن با سیاست‌های کلان کشور به طور عقلایی به افقی روشن رهنمون سازد. طرح‌های مطالعاتی می‌تواند برنامه‌ریزان را با شناختی دقیق از قابلیت‌ها، استعدادها و گرایش‌های آنان در جهت کوچ، اسکان و رمه‌گردانی یا اتخاذ روش‌های دیگر یاری نماید.

از جمله موارد قابل پیش‌بینی و مهم برای دفتر مطالعات عشایری عبارتند از:

۱- شناسایی استعدادهای مناطق عشایری کشور از نظر منابع آب، خاک، مرتع، اشتغال، نظام بهره‌برداری و ...

۲- شناسایی نیازها و کمبودهای مناطق عشایری کشور از نظر توسعه انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ...

۳- تحقیق و پژوهش به منظور شناخت و ارائه الگوهای مناسب برای توسعه زندگی عشایر.

۴- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های سامان‌دهی عشایر.

۵- مطالعه و ارزیابی مستمر در مورد اثرات اجرایی پروژه‌ها جهت اصلاح، تکمیل و یا تغییر احتمالی آنها برای بهبود برنامه‌ها.

۶- ایجاد پایگاه اطلاعاتی و برقراری نظام اطلاعاتی و آماری برای پشتیبانی واحدهای مطالعاتی و اجرایی کشور از طریق تهیه منابع و مآخذ نوشتاری، تصویری، نرم افزارهای رایانه‌ای و سایر اسناد و مدارک مورد نیاز.

۶-۲- اتخاذ روش‌های مناسب در مطالعات

۶-۲-۱- وضع قوانین و مقررات مورد نیاز برای حفظ و نگهداری منابع

تصویب قوانین حمایتی موجب آرامش و آسایش عشایر و ایجاد فرصت برای تصمیم‌گیری خواهد بود. طبیعی است عشایر و برنامه‌ریزان در حالت اطمینان و امنیت می‌توانند در فضای مشارکت و همکاری دو طرفه راهی را به دور از هرگونه اجبار و تهدید برای بهتریستن انتخاب کنند. زیرا قانون محکمترین و مطمئن‌ترین ابزار برای ایجاد حمایت، حفظ و حراست از منابع مورد استفاده عشایر است.

۶-۲-۲- کوتاه کردن روش‌های مطالعاتی

همانطور که اشاره گردید بطور قهرآمیز و ناخواسته فشارهای زیادی برای تصرف و خارج کردن منابع اقتصادی عشایر وجود دارد. تأخیر در برنامه ریزی هر چند کوتاه مدت باشد باعث انتقال بخشی از منابع عشایر به قلمرو غیرعشایری می‌گردد. چنانچه دستیابی به نتایج مطالعات زمان زیادی را به خود اختصاص دهد، تضمین برای استفاده از نتایج آن وجود نخواهد داشت. زیرا در طول انجام مطالعات ممکن است منابع شناسایی شده برای سامان دهی از اختیار عشایر خارج گردد. تجربه عملی مطالعات در طول دهه دوم انقلاب اسلامی مؤید همین وضعیت است. لذا شایسته است با تأمین و تخصیص پشتوانه‌های مورد نیاز تلاش گردد تا مطالعات مربوط به سامان دهی عشایر و استخراج نتایج آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن تحقق یابد. بنابراین طول مدت مطالعات نباید به گونه‌ای باشد که منابع از دست عشایر خارج شده و پس از آن نتایج مطالعات جنبه عملی پیدا کند. در این صورت ضرب‌المثل پس از مرگ سهراب نوشدار و یا جاهست و بچه نیست، مصداق پیدا خواهند کرد.

۶-۳- برنامه ریزی بر مبنای تغییرات قابل پیش‌بینی در آینده عشایر

با ایجاد روش‌های متنوع در امر سامان دهی می‌توان قدرت انتخاب عشایر را بالا برد و آنها را با توجه به علاقه‌مندی و آمادگی در هر یک از شیوه‌های زندگی دسته بندی کرد. تعدد روش‌ها و شیوه‌های زندگی موجب پذیرش افراد بیشتر، همچنین کاهش نارسایی‌ها و ناهنجاری‌های ناشی از شیوه جدید زندگی خواهد شد.

«شیوه تولید عشایری به صورت کوچ نشینی ظرف ده سال آینده به مرور متوقف خواهد شد، اما شیوه تولید عشایری با روش مدرن بازتولید خواهد شد. انتقال خانواده عشایری همراه دام، متوقف خواهد شد. اما استفاده از مراتع همچنان ادامه خواهد یافت. انتقال دام به شیوه سنتی متوقف می‌شود. اما بین تکنولوژی جدید و استفاده از منابع موجود در مراتع، تعادل و توازن جدیدی شکل خواهد گرفت.

می‌توان متناسب با شرایط و مقتضیات، برای سامان دهی عشایر استراتژی‌هایی مانند رمه گردانی، اسکان و یا کوچ نشینی و ... بصورت توأم و یا بطور جداگانه در نظر گرفت. لکن تحقق هر یک مستلزم پیش‌شرط‌هایی است که در تمام مراحل و شیوه‌های انتخاب شده باید مدنظر قرار گیرد.

۶-۳-۱- یکجانشینی و یا اسکان

بر اساس نتایج به دست آمده از سرشماری ۱۳۷۷ حدود ۲۰/۲ درصد (۴۰۴۶۱ نفر) از کل جمعیت مایل به ادامه کوچ و ۷۳/۸ درصد (۱۴۷۵۷۲ نفر) داوطلب اسکان می‌باشند.

بسیاری از افرادی که خواهان انتخاب زندگی یکجانشینی هستند، به دلیل نارسایی‌ها و فشارهای ناشی از مشکلات زندگی در مجاورت و حاشیه روستاها و شهرهایی که در مسیر کوچ بیلاق به قشلاق قرار می‌گیرد، اسکان می‌یابند. آنان افراد خسته‌ای هستند که در مسابقه دو که همان قافله زندگی است از یاران عقب می‌مانند؛ افراد خسته‌ای که توانایی ادامه مسیر را ندارند مگر اینکه کسی به یاری آنان بشتابد.

روند رو به افزایش این دسته از افراد جامعه عشایری در مناطق عشایرنشین کشور و در شهرهای مسیر کوچ به وضوح دیده می‌شود. آنان به ناچار زندگی را از ابتدا شروع می‌کنند و با سرمایه‌ای کم و ناچیز بدون دانش فنی با اندک آشنایی به شیوه تأمین معیشت شهر و روستا وارد جامعه‌ای جدید می‌شوند.

مسلم است که تلاش این گروه برای ادامه زندگی ناهنجاری‌هایی را در جامعه جدید برای خود و همسایگان به دنبال خواهد داشت که در صورت برنامه ریزی جامع و گسترده برای هدایت و حمایت آنان می‌توان ناهنجاری‌ها را کاهش داد تا وضعیت به حالت قابل تحمل تبدیل گردد.

۶-۳-۲- کوچ نشینی و معایب آن

زندگی کوچروی با سابقه طولانی در ایران و جهان متأثر از نوعی سازگاری با شرایط آب و هوایی برای دسترسی به منابع تولید است. عمده منابع نیز محدود به آب، هوا و مرتع برای دامداری است. تأمین ابتدایی ترین نیازهای بشر که نیازهای جسمانی از جمله غذا برای خوردن، لباس برای پوشیدن و مسکن برای خواب و استراحت می‌باشد. همیشه به عنوان اصلی‌ترین دغدغه و انگیزه تلاش انسان بوده و هست. بنابراین می‌توان گفت که انتخاب روش کوچروی و یا کوچ نشینی در واقع نوعی تلاش برای تأمین نیازهای اولیه زندگی بوده است.

بدون تردید برای کسانی که به دلایل عیدیه انتخاب دوم ندارند، ادامه این روش زندگی اجتناب ناپذیر است. تجربه دامداری در زندگی کوچ نشینی و وجود منابعی مانند علوفه مرتعی که دیگران حاضر به قبول زحمت برای بهره‌گیری از آن نیستند، ترغیب می‌کند تا تعداد زیادی از افراد این کشور چنین شیوه زندگی را به عنوان یک فرآیند شغلی بپذیرند مگر اینکه فشارهای محیطی تشدید شود و یا جاذبه‌های قوی برای جلب و جذب آنها در جوامع شهری و روستایی ایجاد شود.

ویژگی‌های جغرافیایی ایران از نظر وسعت، کوهستانی بودن و نیاز کشور به فرآورده‌های دامی، اشتغال بخشی از جمعیت این کشور را به دامداری ترغیب می‌کند. لکن همانطور که گفته شد برای اینکه در وضعیت دنیای امروز همه افراد جامعه عشایر فدای این نوع زندگی نباشند، رمه گردانی می‌تواند شیوه‌ای مناسب تر و بهتر از زندگی کوچروی کنونی باشد.

از طرف دیگر در شیوه کوچروی کلیه افراد و خانوار عشایری اعم از کودک، سالخورده، بیمار و افراد بیکاری که به دلیل کم بودن تعداد دام نقشی در دامداری ندارند، ناچار هستند مشقت‌های ناشی از کوچ را تحمل کنند. در این روش همه افراد خانوار فدای شغل دامداری می‌شوند که طبیعتاً مسائل جنبی و مشکلات فراوانی را همراه دارد.

از سوی دیگر در حال حاضر با توجه به تمرکز امکانات زندگی در شهرها و روستاها افراد کوچرو از جمله کسانی هستند که از حداقل امکانات و تسهیلات برخوردارند. به همین دلیل آنها نسبت به سایر جوامع عقب مانده تر هستند که این خود یکی از عوامل تشدید کننده تمایلات جامعه عشایری برای اسکان در شهر یا روستا می‌باشد.

۶-۳-۳-ر مه گردانی و محاسن آن

نوع سوم روش زندگی قابل پیش بینی برای عشایر ر مه گردانی است. این روش زندگی ترکیبی است از روش‌های اسکان و کوچروی. در این شیوه عشایر دارای نقطه اتکایی از نظر سکونت هستند و پناهگاهی دائمی متناسب با شرایط و تمایلات خود در مناطق سردسیر، گرمسیر و یا در میان بندها دایر می‌کنند. پناهگاه ممکن است در شهر، روستا، آبادی و یا نقطه‌ای که امکان دسترسی به امکانات و خدمات هست دایر شود.

روش ر مه گردانی مزایای بیشتری نسبت به روش‌های دیگر دارد. در این روش هدف از نوع زندگی که همان دامداری است. تأمین شده و افراد از مزایا و امکانات دیگر جوامع نیز بهره‌مند می‌شوند. علاوه بر این همه اعضای خانواده الزامی ندارند که مشکلات و نارسایی‌های کوچ را تحمل کنند.

در روش کوچروی مطلق کلیه اعضاء خانواده از کوچک تا بزرگ همراه با دام حرکت می‌کنند و ناگزیر تن به دشواری‌ها و مشکلاتی می‌دهند. در این شیوه اگر چه بعضی از افراد در خانواده هیچ نقشی در کار و تولید ندارند، اما کلیه اعضاء خانواده قربانی هدف می‌شوند.

در روش اسکان نیز کسانی که قادر به دامداری هستند در صورت اسکان شغل دامداری را فدای زندگی جدید می‌کنند. ضمن اینکه برای دستیابی به اسکان پایدار و تطبیق با شرایط جدید زمانی طولانی لازم است تا مردم به یک زندگی نسبتاً متعارف و اصولی دست یابند.

ر مه گردانی به سه صورت امکان پذیر است:

۱-ر مه گردانی به صورت اسکان در بیلاق

۲-ر مه گردانی به صورت اسکان در قشلاق

۳-ر مه گردانی به صورت اسکان در سایر نقاط

می‌توان گفت ر مه گردانی نسبت به سایر شیوه‌ها متناسب‌ترین نوع زندگی برای شغل دامداری است؛ زیرا در زندگی به سبک ر مه گردانی شغل، آسایش و ایجاد فرصت برای پیشرفت همه اعضاء خانواده همزمان فراهم می‌شود.

ر مه گردانی را می‌توان یک شغل تلقی نمود و بخشی از نیازهای جامعه را بدینگونه فراهم کرد. علاوه بر این در این سبک زندگی امکان دستیابی به ظرفیت‌های بیشتری نسبت به زندگی کوچروی دائم وجود دارد.

در زندگی ر مه گردانی آنانی که قادر به حرکت نیستند و یا وجودشان در زندگی کوچ نشینی منشاء اثری در تولید و دامداری نیست، اسکان می‌یابند و افرادی که مستعد و قادر به کوچروی هستند با ادامه کوچ نشینی همچنان از مزایای شغل دامداری بهره‌مند می‌شوند.

در ر مه گردانی احتیاج به نیروی کار زنان و کودکان نیست و آنها می‌توانند در یک جا اسکان شوند و از امکانات رفاهی از جمله بهداشت، آموزش، مسکن، آب، برق و دیگر امکانات موجود در محل اسکان بهره‌مند گردند.

۷- برنامه ریزی عملیاتی برای عشایر کشور

۷-۱- برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر کوچرو

گروهی از عشایر کوچرو همچنان تمایل به ادامه کوچ دارند. مهم ترین انگیزه‌هایی که سبب استمرار و رونق کوچروی شده عبارتند از:

- ۱- داشتن مراتع خوب و کافی در بیلاق و قشلاق جهت بهره‌برداری
 - ۲- دارابودن نیروی انسانی مستعد و کافی برای کوچ و دامداری
 - ۳- داشتن زمین کشاورزی، مزرعه، باغ با آب کافی در بیلاق و قشلاق برای افزایش درآمد
 - ۴- داشتن ایل راه و اطرافگاه در میان بند بدون موانع ایدایی (مانند زمین‌های زراعی در حاشیه و متصل به ایل‌راه‌ها، بسته شدن ایل راه‌ها و یا یکی شدن با جاده‌های آسفالت‌ه و ماشین رو...)
 - ۵- وجود امنیت کافی در طول کوچ، بیلاق و قشلاق
 - ۶- نداشتن تعلقات شدید به جامعه شهری مانند وابستگی‌های فامیلی و زناشویی، اشتغال اعضاء خانواده، داشتن زمین و مسکن.
- برای این دسته از عشایر می‌توان متناسب با نوع زندگی آنان اقداماتی به شرح زیر انجام داد:
- ۱- اشتغال و افزایش درآمد (آموزش و ترویج- تأمین آب کشاورزی)
 - ۲- خدمات زیربنایی و رفاهی (تأمین آب آشامیدنی- جلب مشارکت عشایر در احداث تأسیسات بهداشتی- احداث و نگهداری راه- احداث تأسیسات خدماتی و جایگاه توزیع مواد سوختی)

۷-۲- برنامه ریزی برای عشایر متقاضی یکجانشینی (اسکان)

بخش عمده‌ای از عشایر کشور کسانی هستند که به دلایل عدیده‌ای خواهان تغییر شیوه زندگی کوچروی و اسکان در مناطق مستعد هستند. براساس مطالعات انجام شده ۵۸/۴ درصد از خانوارهای عشایری (۸۶۱۶۱ خانوار) داوطلب اسکان در کانونهای هدایتی هستند که توسط دولت پس از انجام مطالعات لازم تعیین می‌شود و ۳۹/۱ درصد (۵۷۷۴۰ خانوار) دارای تمایل به اسکان در کانونهای خودجوش هستند که مردم عشایر بنا به علاقه‌مندی و شرایط خاص زندگی خود و بدون برنامه قبلی آنجا را انتخاب می‌کنند.

بعضی از دلایل عمده عشایر داوطلب اسکان عبارتند از:

- فقر و تنگدستی و نداشتن دام به تعداد کافی
- نداشتن مرتع در بیلاق، قشلاق یا هر دو آن
- نداشتن نیروی انسانی توانمند و کافی
- پایین بودن درآمد زندگی به روش کوچروی
- بسته شدن ایلراه‌ها، میان بندها و اطرافگاهها
- داشتن شغل جانبی و مؤثر در شهر و یا روستا

-همسر گزینی از شهر یا روستا

-اختلافات فامیلی و درگیری‌های قومی که منجر به قتل شده است.

-دارابودن زمین و آب کافی برای توسعه کشاورزی یا دامپروری در بیلاق یا قشلاق و یا مکان‌های دیگر.

برای سامان دهی به زندگی این دسته از متقاضیان می‌توان فرایند سه گانه‌ای را در نظام برنامه‌ریزی پیش بینی کرد.

مرحله اول: اقدامات قبل از اسکان

مرحله دوم: اقدامات حین اسکان

مرحله سوم: اقدامات بعد از اسکان

مرحله اول شامل:

۱- مشخص نمودن سیاست‌ها و اهداف برنامه‌های بلندمدت در ارتباط با عشایر کشور

۲- مطالعه و ارزیابی نکات مثبت و منفی طرح‌های سامان‌دهی عشایر متقاضی اسکان در گذشته

۳- مطالعه، شناسایی و تثبیت منابع اقتصادی

۴- برآورد میزان منابع مورد نیاز برای اشتغال خانوار

مرحله دوم شامل:

۱- ایجاد اشتغال و افزایش درآمد

۲- خدمات زیربنایی و رفاهی

۳- ارتقاء و پاداش شغلی برای تقویت نگرش

۴- تجدید نظر در نحوه بهره‌برداری از پروانه چرا

۳-۷- برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر یکجانشین در کانونهای خودجوش

برنامه‌ریزی برای ایجاد تغییر در زندگی این دسته از عشایری که هم اکنون اسکان یافته‌اند، از چند جهت دارای

مشکل است:

اول- جابه‌جایی مردم از نقطه‌ای که اسکان یافته‌اند به نقاط دیگر با هر دلیل و توجیه علمی که باشد، منجر به از بین رفتن هزینه‌هایی است که تاکنون صورت گرفته است.

دوم- قطع علاقه محیطی آنان از مکانی که اسکان یافته‌اند دارای همان سختی‌ها و مشکلاتی است که در هنگام قطع رابطه با زندگی اولیه خود که کوچروی بوده متحمل شده‌اند.

سوم-به دلیل مواجه شدن دولت با یک عمل انجام شده توسط عشایر که آنهم وجود کانون خودجوش به عنوان مکانی برای زیست است، دولت مجبور به تحمل هزینه‌های بیشتری برای رفع نارسایی‌ها و تأمین نیازهای آنان خواهد بود.

چهارم- ممکن است تأمین بعضی از خواسته‌ها به دلیل محدودیت منابع و امکانات محیطی و عدم پیش‌بینی امکان پذیر نباشد.

پنجم- این کار مشارکت سازمان‌های بیشتری را برای هماهنگی و برنامه ریزی در جهت تحول و تکامل زندگی آنان می‌طلبد.

چون ظاهر زندگی رنگ و بوی نوعی زندگی شهری و یا روستایی دارد ولی فرهنگ و الگوی زندگی آمیخته با زندگی عشایری است.

براساس آخرین آمار و اطلاعات موجود تا پائیز سال ۱۳۸۰ حدود ۲۴۵ مکان وجود داشته است که عشایر بطور خودجوش در آن نقاط استقرار و سکنی گزیده‌اند.

کانونهای خودجوش که با گذشت زمان و جذب عشایر هویت روستا یا شهر را بهم زده است، یک سری اشکالات عمومی دارد که این اشکالات در مورد سایر شهرها و روستاها نیز می‌تواند صادق باشد.

شهرهای ما دارای هر ویژگی که باشند همه ساله تعدادی از عشایر کشور را به خود جذب می‌کنند. مشاغلی در زمینه‌های کشاورزی، صنایع دستی، کارگری از جمله زمینه‌های جذب عشایر در نقاط خودجوش بوده است. این نقاط که معمولاً در مسیر کوچ عشایر قرار دارد، دارای رشد و توسعه یکسان نبوده، لازم است برای بهره‌مندی عشایر از زندگی مطلوب با مطالعه ویژگی‌های هر نقطه، با کسب اطلاعات از وضعیت کانونهای خودجوش و شناسایی استعداد و توانایی‌های هر کانون برنامه‌ریزی متناسب با آن صورت گرفته و عشایر اسکان یافته را در جهت بهبود زندگی مورد حمایت قرار داد.

۷-۴- برنامه ریزی برای سامان دهی عشایر به شیوه رمه گردانی

رمه گردانی یکی از متعادل‌ترین نوع دامداری است. با مقایسه این روش با روش‌های دیگر در مورد مزیت این روش بهتر می‌توان قضاوت کرد.

در حال حاضر دستگاه‌های متولی عشایر در راستای سامان دهی به زندگی عشایر کوچرو در قالب دو برنامه عمده فعالیت می‌کنند. این دو برنامه تحت عنوان پشتیبانی و خدمات رسانی به عشایر کوچرو و سامان دهی به عشایر متقاضی اسکان جریان داد.

در مورد سامان دهی عشایر به شیوه رمه گردانی در کشور برنامه‌ای تدوین نشده است. بهتر است دستگاه‌های اجرایی برای ترویج این شیوه زندگی که دارای مزیت بیشتری نسبت به سایر شیوه‌هاست، بطور هدفمند اقدام به برنامه ریزی نمایند و پروژه‌های اجرایی را متناسب با این نوع زندگی تعریف کنند.

مجموعه خدماتی که برای هر دو روش کوچروی و اسکان پیش‌بینی می‌شود، برای روش رمه گردانی نیز قابل استفاده است. در این روش تسهیلات لازم برای خانوار عشایری جهت ایجاد پناهگاه در شهر، نیز قابل استفاده است. در این روش تسهیلات لازم برای خانوار عشایری جهت ایجاد پناهگاه در شهر، روستا و یا نقاط دیگری که مورد نظر آنان هست، فراهم

می‌گردد و چون در جامعه شهری و یا روستایی قرار می‌گیرند، ضمن اینکه از امکانات و خدمات آنان بهره‌مند می‌شوند با حرکت و جابه‌جایی دام از مراتع ییلاقی به قشلاق و بالعکس دامداری را نیز ادامه می‌دهند.

در روش رمه گردانی برای اینکه بتوان تعداد کمی از افراد خانوار عشایری را درگیر با کار دامداری کرد باید هدف از دامداری را از حالت تولید مواد لبنی به پرورش دامهای گوشتی تغییر داد. در حال حاضر می‌توان دام‌ها را با ارائه تسهیلات بانکی توسط خود عشایر پروار نمود تا در این صورت ارزش افزوده آن عاید خانوارهای عشایری گردد. در واقع عشایر علاوه بر دامداری به فعالیت دامپروری نیز مشغول گردیده و در الگوهای دامداری آنان تغییرات مناسب بوجود خواهد آمد.

حال برای سامان دهی عشایر در قالب رمه گردانی چه تدابیری باید اندیشیده شود و برای هر برنامه‌ای چه پروژه‌هایی

باید در نظر گرفت؟

قبلاً اشاره شد که یکی از برنامه‌ها در این راستا، اصلاح دام آنها از حالت داشتنی به گوشتی است. برای تحقق این خواسته چه اقداماتی باید صورت گیرد؟ لازم است دورنمای زندگی عشایر به صورت رمه گردانی از نظر فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و دامداری مورد مطالعه و پیش‌بینی قرار گیرد تا افراد داوطلب نیز با توجه به وضع پیش بینی شده بتوانند تصمیم بگیرند.

۷-۵- برنامه ریزی سامان دهی عشایر به شیوه اقتضایی

بنا به نظریه‌های علمی باید پذیرفت که برای انجام هر کاری روش بهتری وجود دارد. این نظریه‌ها که در راستای ترغیب انسان به تکامل و فائق آمدن بر مشکلات مطرح شده است در مورد یافتن راه حل جدید برای بهبود زندگی عشایر مصداق پیدا می‌کند.

روش‌های گفته شده از جمله روش‌های عمده برای سامان دهی محسوب می‌شوند که هر یک می‌تواند به نوبه خود در حل مشکل عشایر مؤثر باشد.

در زندگی به شیوه اسکان غالباً مشاغل کشاورزی و دامپروری مورد نظر است که به سه منبع عمده تولید وابستگی دارد. این منابع شامل مراتع برای تعلیف دام و آب و خاک برای کشاورزی می‌باشد که هم اکنون بخش عمده‌ای از این منابع به کارگرفته شده است. اما از یک طرف مراتع جوابگوی دام عشایر نیست و از طرف دیگر زمین و آب برای متقاضیان محدود است؛ به گونه‌ای که برای بسیاری از متقاضیان جدید امکان واگذاری آن وجود ندارد. چاره چیست؟

برای خروج از بن بست چند راه حل وجود دارد.

۱- نگرش اقتضایی

در این شیوه برای هر فرد با توجه به شرایطی که دارد باید برنامه ریزی نمود. اطلاعات مربوط به خصوصیات، توانمندی‌ها و علائق شخص گرفته می‌شود و با توجه به امکانات زندگی وی در مورد کوچ، اسکان و یا روش دیگر برنامه ریزی صورت می‌گیرد. بعضی از افراد دارای توانمندی‌ها، تجربیات و دانشی هستند که در جامعه شهر یا روستا، بازار کار آنان وجود دارد مانند نویسندگان، هنرمندان، موسیقی‌دانان، اسب سواران، تیراندازان، بافندگان و ...

اگر در جامعه شهر یا روستا برای آنان شغلی متناسب با توانایی‌هایشان پیدا شود، به این طریق زندگی آنان سامان دهی می‌شود. همچنین از این طریق می‌توان از هم اکنون فنون و حرف مورد نیاز کشور را به فرزندان آنان آموزش داد تا در آینده زمینه‌های اشتغال برای آنان فراهم گردد.

دولت می‌تواند با اولویت دادن به فرزندان عشایر در سهمیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و کمک برای یافتن مشاغل متناسب، زمینه را برای اسکان آنان فراهم آورد و یا اینکه در آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز جامعه مشاغل جدید را به آنها بیاموزد. زیرا در جامعه عشایری ظرفیت برای پذیرش محدود است. حُسن این روش این است که شخص هم زمان با تحصیل و آموزش خود را با محیط جدید تطبیق می‌دهد و نهایتاً ناهنجاری‌های اجتماعی آنان کاهش می‌یابد.

۲- افزایش بهره‌وری

در برنامه سامان دهی زندگی عشایر لازم است در راستای منافع ملی تدبیری اساسی اندیشیده شود. چنین تدبیری می‌تواند برنامه ریزی برای بالابردن بهره‌وری در کشور، بخصوص توسط جامعه عشایری باشد. به طور یقین آب، خاک، دام، مرتع، سرمایه و به طور کلی منابع تولید، محدود است و هم اکنون بخش عمده‌ای از این منابع برای تولید به کار گرفته شده است. این درحالی است که با وجود به کارگیری استعداد و منابع، هنوز نیازهای کشور تأمین نشده است؛ ضمن اینکه علاوه بر بهره‌برداران فعلی متقاضیان جدیدی نیز برای بهره‌گیری از منابع موجود کشور در تلاش هستند که به دلیل کمبود منابع، امکان تأمین خواسته‌های آنان وجود ندارد. برای مثال عمده مراتع قابل تعلیف در اختیار دامداران قرار گرفته است که به دلیل وجود دام اضافی و چرای مفرط، مراتع درحال از بین رفتن است. از طرف دیگر درآمد حاصل از دامداری جوابگوی نیازهای معیشتی دامداران نیست. در شرایطی که به دلیل وجود دام مازاد مراتع در حال تخریب است و ظرفیت مراتع متناسب با تعداد دام و تعداد دام متناسب با ظرفیت مراتع نیست، چاره چیست؟

اگر نسبت ضریب میزان مصرف علوفه برای تولید یک کیلوگوش را با معیارها و استانداردهای جهانی مقایسه کنیم ملاحظه می‌شود که فاصله زیادی بین این دو وجود دارد. سرجمع این اختلاف حسابها هزینه‌هایی اضافی است که به درآمد ملی تحمیل می‌شود. لذا توجه به بهره‌وری ضمن اینکه نیازمندی‌های جامعه را مرتفع می‌سازد، می‌تواند از به هدر رفتن سرمایه‌ها نیز جلوگیری کند.

انجام این امر مستلزم افزایش دانش شغلی تولیدکنندگان و مدیران اجرایی کشور است. با ترویج فرهنگ بهره‌وری در سطحی فراگیر و ملی می‌توان سطح بهره‌وری را در بهره‌گیری از منابع تولیدی افزایش داد. ضروری‌ترین راه حل پیشنهادی برای خروج از شرایط موجود انجام فعالیت‌های آموزشی ترویجی به تولیدکنندگان و یا به کارگیری اجباری تحصیل کردگان رشته‌های شغلی در مشاغل بخش خصوصی کشور است. برای مثال می‌توان برای میزان سطح زیرکشت و یا تعداد دام حداقلی را در نظر گرفت و مازاد برآن را منوط به بکارگیری کارشناسان مرتبط با رشته‌های شغلی دانست. همچنین دادن تسهیلات بانکی

را در بعضی از زمینه‌های تولید در شرایطی باید میسر دانست که تولید کننده یا خودداری دانش شغلی و توان تخصصی باشد و یا اینکه با به کارگیری متخصصین، خلاء ناشی از این دانش را برطرف نمود.

انجام این امر چند حسن دارد:

۱- از منابع ملی و مدت زمان تولید حداکثر استفاده می‌شود.

۲- بخش عمده‌ای از نیازمندی‌های جامعه مرتفع می‌گردد.

۳- مشکل بیکاری تا حدودی حل می‌شود.

در واقع می‌توان از محل افزایش بهره‌وری، هزینه سرمایه‌گذاری‌های انجام شده از جمله نیروی انسانی متخصص و یا تجهیزات را تأمین نمود.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که همه روش‌های پیشنهادی در جهت سامان بخشیدن به زندگی عشایر کوچرو ایران است و در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور پیش‌بینی‌های لازم صورت گرفته است. لکن تحقق آن مستلزم فراهم آوردن ابزار مورد نیاز از جمله ساختار و یا ساختارهای وظیفه‌مند، نیروی انسانی مستعد، قوانین و مقررات و روش‌های اجرایی مورد نیاز می‌باشد.